

بررسی پیامدهای اصلاحات ارضی (مطالعه موردی شهرستان مراغه)

رضا نژادنقی

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاداسلامی، شبستر، ایران

(rn4229@gmail.com)

معصومه قره داغی (نویسنده مسئول)

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاداسلامی، شبستر، ایران

Masomehgaradagi90@gmail.com

ناصر صدقی

گروه تاریخ دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، تبریز

منیژه صدری

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاداسلامی، شبستر، ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۱ تاریخ پذیرش ۹۹/۳/۱

چکیده

اصلاحات ارضی یکی از مهم ترین برنامه هایی بود که در دوره محمدرضا شاه به مرحله ی اجرا درآمد و تحولات عمیقی را در زمینه مالکیت ارضی، ساختار طبقاتی، تحرک اجتماعی و ترکیب گروههای حاکم به وجود آورد. در واقع هدف از اجرای اصلاحات ارضی اجتماعی و سیاسی بود که درهم شکستن نفوذ سیاسی، اجتماعی مالکان از پیامدهای اصلی آن بود. آغاز طرح از شهر مراغه بود که به عنوان پیشگام این حرکت شناخته شد. در عرصه ی اجتماعی اجرای اصلاحات ارضی موجب رشد و توسعه ی طبقه ی دهقانی و کارگری شد. یافته ها و نتایج نشان می دهد که در عرصه ی سیاسی اجرای اصلاحات ارضی به تضعیف قدرت مالکان و افزایش نفوذ و تمرکز قدرت دولت در روستاها منجر شد. اصلاحات ارضی در شهر پیشگام اصلاحات موجب مهاجرت جمعیت روستایی به شهر شد و بسیاری از محله ها در مناطق روستایی از جمله میکائیل آباد، عشرت آباد، یوسف آباد، هاشم آباد ایجاد شد که به دنبال پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ناخوشایند بود و منجر به ایجاد مشاغل کاذب در مراغه شد از سوی دیگر خروج نیروی کار، از دست دادن فرصت های شغلی در مناطق روستایی که هیچ نتیجه ای جز تخریب کشاورزی نداشت، گردید.

واژگان کلیدی: اصلاحات ارضی، تقسیم زمین، مراغه، کشاورزی، پیامدها

مقدمه

اصلاحات ارضی به معنای خاص اشاره به سیاست مداخله آمیز دولت به منظور ارائه دگرگونی های عمده در وضع اجاره داری یا مالکیت زمین است. یکی از مسایل مهم در باب اصلاحات ارضی پرسش از چرایی این طرح فراگیر اجتماعی و اقتصادی است. هدف هیأت حاکمه از اصلاحات ارضی را نیز می توان ذیل دو دلیل داخلی و خارجی مورد تحلیل قرار داد.

قانون اصلاحات ارضی در ۱۹ دی ۱۳۴۰ توشیح و اعلام شد که عملیات اجرایی آن از مراغه در آذربایجان شرقی آغاز خواهد شد. شرایط اقلیمی در این منطقه که هر دو نوع زراعت آبی و دیم را داشت، برای کشاورزی مساعد بود. خشکسالی در این منطقه به مراتب کمتر از نقاط مرکزی بود. مراغه یکی از بارورترین مناطق استان و صادرات محلی آن خشکبار بود. در این منطقه سهم مالک مطابق عرف محل چندان زیاد نبود. زارعان مراغه علاوه بر اینکه نسبت به مناطق دیگر مرفه بودند، افراد کاری و مصمم بودند و از فرصتی که اصلاحات ارضی پیش آورد بهره گرفتند. عملیات اجرای اصلاحات ارضی در این منطقه وسیع کشاورزی تا میاندوآب، هشترود، شاهین دژ و تکاب ادامه یافت. با شروع اصلاحات ارضی بسیاری از مالکان از اعلام املاک شان امتناع کردند، آنها معتقد بودند که اگر جلوی اصلاحات ارضی گرفته نشود، به تعویق می افتد.

پیشینه پژوهش:

موضوع اصلاحات ارضی و به تبع آن انقلاب سفید که موجب برجسته شدن نظام مالکیت و ارباب رعیتی در ایران گردید از دیدگاهها و زوایای مختلف مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. آثار بیشتر مورخان در دوگروه تحت تأثیر مورخان شوروی و شیوه تولید آسیایی قرار دارد.

کار فرهاد نعمانی (تکامل فئودالیسم در ایران، ۱۳۵۸، انتشارات خوارزمی) مورخ اقتصادی ایرانی، طرفدار مفهوم شوروی از فئودالیسم ایرانی است. پژوهشگران دیگری چون اشرف و سوداگر مالکیت حکومت، بر زمین را پذیرفته اند. بعضی دیگر از متفکران براساس مالکیت حکومت بر زمین به وجود نظام گسترده اداری به جای شیوه تولید آسیایی از نظام بوروکراتیک یاد کرده اند. عده دیگری نیز با طرح نظام طبقات بی انعطاف به نظریه اصلاح شیوه تولید آسیایی تلاش نموده اند. (خنجی، اشرف و کاتوزیان) تعاریف آسیایی ایران، توسعه تاریخ ایران را براساس عملکرد ساختار دولت توضیح می دهند، که با واژه استبداد تعریف می شود و به ماهیت خودسرانه قدرت سیاسی اشاره دارد که از خصوصیات جوامع آسیایی است. عده دیگری نیز از اصلاحات ارضی به عنوان اصلاحات خیرخواهانه شاه یاد کرده اند، که بیشتر نویسندگان قبل از انقلاب در این زمره قرار دارند، در حالی که بعد از انقلاب تمام نوشته ها اقدامات حکومت قبلی به خصوص اصلاحات ارضی را رد کرده اند.

از دیدگاه جامعه نگر و تخصصی پژوهشگرانی نظیر لمبتون (اصلاحات ارضی در ایران ۱۳۴۵-۱۳۴۰، ۱۳۹۴، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم)، هوگلاند (زمین و انقلاب در ایران، ۱۳۹۲، پردیس دانش)، مصطفی ازکیا (جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی، ۱۳۹۳، انتشارات اطلاعات، چاپ دهم - مقدمه ای بر جامعه شناسی روستایی، ۱۳۹۱، انتشارات اطلاعات، چاپ ششم، ویرایش دوم)، نعمانی (تکامل فئودالیسم در ایران، ۱۳۵۸، انتشارات خوارزمی ج ۱)، باقر مؤمنی (مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، ۱۳۵۹، پیوند)، محمدعلی کاتوزیان (اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان پهلوی، ۱۳۹۵، نشرمرکز، چاپ ۲۱) احمد اشرف (طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران، ۱۳۹۳، انتشارات نیلوفر، چاپ سوم - موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران: دوره قاجاریه، تهران، انتشارات زمینه) خسرو خسروی (جامعه شناسی روستایی ایران، ۱۳۵، انتشارات

دانشگاه تهران)، حمید عبداللهیان (مفهوم پردازی واقعیت در جامعه شناسی تاریخی: نظام ارباب غایب در ایران، ۱۳۹۲، نشر جامعه شناسان) و دیگر محققان کوشیده اند نگاه محققانه و تحلیلی به موضوع داشته باشند. علاوه بر آن برخی تک نگاری ها توسط غلامحسین ساعدی (خیابو یا مشکین شهر، ۱۳۵۴، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم - ایلخچی)، شفیع جوادی (تبریز و پیرامون، ۱۳۵۰، بنیاد پهلوی تبریز)، و صفی نژاد و دیگر پژوهشگران صورت گرفته است.

غیر از تحقیقات تخصصی درباره اصلاحات ارضی، بعضی پژوهش های تاریخی نیز موضوع اصلاحات ارضی را تحت پوشش قرار داده اند. نوشته های یرواند آبراهامیان (ایران بین دو انقلاب، ۱۳۷۹، نشر مرکز، چاپ سوم - تاریخ ایران مدرن، ۱۳۸۹، نشرنی، چاپ چهارم) جان فوران (مقاومت شکننده، ۱۳۸۵، نشر رسا، چاپ ششم)، محمدرضا فشاهی (تکوین سرمایه داری در ایران، ۱۳۶۰، انتشارات گوتنبرگ) از این دسته اند.

رویکرد نظری تحقیق - نظریه والت ویتمن روستو

والت ویتمن روستو ۱ را میتوان پرآوازه ترین و جنجال برانگیزترین صاحب نظر در بین صاحب نظران توسعه خواند. آرای توسعه ای و تاریخی این صاحب نظر بیش از همه آرای دیگر مورد بحث و جدل های موافق و مخالف قرار گرفته است.

مهمترین بخش آراء روستو، نظر او درباره گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی است که نخستین بار در کتاب "مراحل رشد اقتصادی و تاریخی" مطرح شد و به مدل پنج مرحله ای روستو معروف شد. روستو به نقش چند جانبه کشاورزی پویا در تسریع صنعتی شدن اهمیت قائل است و عقیده دارد که این نوین سازی زندگی روستایی، ثبات سیاسی و اجتماعی به همراه خواهد داشت. مطالعات روستو در نهایت منجر به ارائه نظریه رشد اقتصادی که به نظریه خیز مشهور بود، به پنج مرحله تقسیم می شود.

اصلاحات ارضی و تئوری روستو

قبل از ورود به مقوله اصلاحات ارضی و جایگاه آن در نظریه والت ویتمن روستو باید به طرز و نوع بینش خاص این اندیشمند اشاره کرد. در نظریه خیز روستو کشورهایی به عنوان جوامع آرمانی و ایده آل تلقی می شوند. اشاره به این نکته نیز حائز اهمیت فراوانی است که روستو در زمانی این نظریه و تئوری را داده که در اوج جنگ سرد بوده و رقابت ایدئولوژیکی بین آمریکا و شوروی، همه محافل آکادمیک و مراکز تحقیقاتی را واداشته بود تا به شتر وقت خود را صرف ارائه راهکارهای مختلف جهت مقابله با نفوذ بلوک مقابل کنند. مرحله خطی پیشرفت و توسعه جوامع از دید روستو نهایتاً به یک جامعه با شیوه غربی منتهی می شد که این خود الگویی بود برای این که از افتادن بسیاری از کشورهای جهان سوم به ورطه کمونیسم جلوگیری می کرد. از دیدگاه روستو کشورهایی مانند ایران و کشورهای خاورمیانه، آسیای شرقی، آفریقا و آمریکای لاتین همگی در وضعیت سنتی و ابتدایی بسر می بردند و برای حرکت در مسیر توسعه نیازمند برنامه ریزی و اصلاحات خاصی بودند.

روستو اعتقاد دارد در مرحله دوم، یعنی مرحله ماقبل خیز، در این کشورها باید اتفاقات خاصی رقم بخورد تا آنها به تدریج به سمت توسعه حرکت کنند. یکی از مهم ترین تحولات در جامعه، تحول در بخش کشاورزی است که باید به صورت عمیق صورت می گیرد. این تحولات عمیق، از دیدگاه روستو باید به دست یک دولت نیرومند مرکزی صورت گیرد و مهم ترین این تحولات عمیق در مقوله کشاورزی، اصلاحات ارضی است. روستو در مراحل مختلف تئوری توسعه خود، به توسعه بخش کشاورزی توجه خاصی مبذول داشته است و به طور خاص در مرحله دوم ضمن توجه به تحول در این بخش، از اصلاحات ارضی به عنوان عامل تحول عمیق در این حوزه یاد می کند. با وجود این، اما نسخه وی نسخه جامعی از اصلاحات ارضی را برای همه کشورها ارائه نکرده است. چرا که خود وی اعتقاد داشت که هیچ دستورالعمل صحیح و منحصر به فردی در این مورد وجود ندارد و در این زمینه به مانند سایر امور بشری باید از تجربیات دیگران سرمشق گرفت. اما هر ملتی لازم است راهی

خاص را که مبرهن است این است که روستو، توسعه در کشورهای صنعتی را لحاظ نکرده، بلکه دغدغه اصلی وی پیشرفت و توسعه در کشورهای جهان سوم بوده است.

اهداف

پروژه اصلاحات ارضی یکی از مهمترین برنامه های اصلاحات اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره معاصر بوده که چند و چون آن مورد بررسی قرار گرفته است. اما آنچه که مورد غفلت واقع شده این است که اکثریت پژوهشگران با تکیه بر آمار و ارقام رسمی پیامدهای اصلاحات ارضی را به طور کلی ارزیابی کرده و آن را به تمامی نواحی کشور تعمیم داده اند و ویژگیهای متفاوت اقلیمی و جغرافیایی و خصوصیات اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف کشور را در نظر نگرفته اند. در تحقیق حاضر چگونگی اجرا، عملکرد و پیامدهای برنامه ی اصلاحات ارضی در محدوده ی جغرافیایی شهر مراغه به دلیل مشخصات زمین داری آن مورد پژوهش قرار میگیرد. این منطقه دارای شاخصه های ویژه ای در بخش کشاورزی بود. به این صورت که مقدار و وسعت اراضی زراعی و تمرکز جمعیت در روستاها این منطقه را از این نظر در جایگاه بالایی در کشور قرار داده بود. بیش از چهارپنجم جمعیت منطقه در نواحی روستایی سکونت داشتند که تعداد زیادی از آنها را دهقانان تشکیل میدادند. بخش عمده ی اراضی در تصرف عمده مالکان بود و اکثریت زارعان به شیوه ی ارباب- رعیتی بر روی آنها مشغول به فعالیت بودند. کشاورزی نقش تعیین کننده ای در اوضاع اقتصادی و اجتماعی منطقه داشت که با اجرای برنامه به شدت تحت تأثیر قرار می گرفت و بخش عمده ی روستاییان از آن تأثیر می پذیرفتند، لذا این خصوصیات بر اهمیت بررسی اجرای اصلاحات ارضی و پیامدهای آن در منطقه مراغه می افزاید. مسئله مقاله حاضر این است که برنامه ی اصلاحات ارضی در مقیاس کلان به دنبال ایجاد چه تحولاتی در حوزه اجتماعی و اقتصادی بود و اینکه پیامدها و عملکرد آن در مقیاس خرد، شهر مراغه، چقدر با برآوردهای طرح سازگاری داشت.

پیشینه اصلاحات ارضی

قبل از اجرای طرح اصلاحات ارضی، از ۵۰ هزار روستای ایران، ۱۵ هزار روستا متعلق به خرده مالکین، ۴ هزار زمین سلطنتی و ۶ هزار قریه موقوفه بوده است. برخی اربابان بر یک روستا حاکم بودند و برخی مالک بیش از ۵ تا ۱۵۰ روستا بودند و پیش از اصلاحات ارضی، ۸۰-۸۵ درصد از زمین ها با قابلیت کشاورزی، در میان خان ها و فئودال ها تقسیم شده بود. وضعیت کشاورزی ایران پیش از اصلاحات ارضی به گونه ای بود که بخش عظیمی از نیازهای غذایی و احشام کشور را تأمین می کرد و تسهیلات حداقلی برای سه چهارم مردم ایران مهیا بود. ایده اصلاحات ارضی در ایران، از دوره انقلاب مشروطه، بین سال های ۱۲۸۸-۱۲۸۷ مورد بحث قرار گرفت. اما مشروطه خواهان در پی تغییر کلی ساختار سیاسی ایران بودند و این موضوع باعث شد دیگر موضوعات به فراموشی سپرده شود و در نتیجه هیچ تغییری در اصلاحات ارضی حاصل نشد، تا اینکه میرزا کوچک خان جنگلی تقسیم ارضی در مناطق را شروع کرد و در سال های ۱۳۱۱-۱۳۱۶ برخی اصلاحات در سیستان انجام شد که چندان موفقیتی حاصل نشد و بین سال های ۱۳۲۵-۱۳۲۴ برخی اصلاحات در آذربایجان انجام شد که موفقیت چشمگیری داشتند. در سال ۱۳۳۱ ش دکتر محمد مصدق کاملاً اقدامات معمول در خصوص مالکیت را با یک حکم لغو کرد و سود مالکیت را تا ۲۰ درصد کاهش داد؛ ۱۰ درصد برای رعایا و ۱۰ درصد برای توسعه روستایی بود. بین سال های ۱۳۳۱-۱۳۲۹ به دستور محمد رضا پهلوی، اصلاحات ارضی انجام شد و دو هزار روستا، که رضاخان آن را مصادره کرده بود، بین کشاورزان تقسیم شد و از سال ۱۳۳۷ تقسیم ارضی دولتی شروع شد و تا سال ۱۳۴۲ ادامه داشت. در این سال، این دارایی ها مشمول قوانین اصلاح ارضی شدند و مالکیت ۱۵۷ روستا به ۸۳۶۶ کشاورزان داده شد. سرانجام اصلاح ارضی در ایران با خط مشی آمریکایی و قدرت نفوذ آنها انجام گرفت. بر طبق قوانین اسفند ۱۳۴۰ طی دستوری ۳۰ میلیون ریال از اعتبارها برای اصلاحات ارضی به وزارت کشاورزی اختصاص یافت

(احمدی پور، ۱۳۹۳). قوانین و ملحقات اصلاحات ارضی در سه مرحله و در مدت زمان بیش از یک دهه به مرحله اجرا درآمد. در مرحله اول، بر اساس قانون هر مالک حق حفظ یک ده شش‌دانگ از املاکش را همراه با اراضی مکانیزه، باغات میوه، بیشه زار و کشتزارهای چای داشت و مابقی املاک او توسط دولت خریداری شده و به زارعان صاحب نسقی که به عضویت شرکتهای تعاونی روستایی درآمد بودند، فروخته می شد. اجرای این مرحله به طور اساسی توزیع مالکیت را تغییر داد. در مرحله دوم مستثنیات مالکان به غیر از اراضی مکانیزه مشمول اصلاحات شد، مالکان مجبور به انتخاب یکی از گزینه های اجاره ی زمین، خرید، فروش و تقسیم اراضی خود یا تشکیل واحد سهامی زراعی شدند. اجرای این مرحله به روابط مبتنی بر نظام مزارعه در بیشتر مناطق کشور پایان داد و حس اعتماد به نفس و استقلال در زارعان به وجود آورد. مرحله سوم اصلاحات قانون فروش یا تقسیم املاک استیجاری را به اجرا گذاشت. (لمتون، ۱۳۹۴، ۳۰-۳۲۹)

فرآیند اصلاحات ارضی و مراحل اجرایی آن

در ۱۳۳۹ مالکیت حداکثری زمین های هر فرد در کل کشور، (چه قطعه زمین باشد و چه زمین های مجزا) در مجموع، ۴۰۰ هکتار زمین آبیاری یا ۸۰۰ هکتار زمین دیم یا برخی زمین های آبیاری شده و خشک تعیین شد که مجموع آنها از حداکثر زمین های خشک و بی حاصل تجاوز نمی کرد. اما نقیصه های این طرح باعث عدم موفقیت آن در عمل شد و بسیاری از افرادی که با این طرح موافق بودند، مالکان بزرگ بودند. با برکناری شریف امامی و انتصاب علی امینی به نخست وزیر کابینه تحت امر او، مجلس را، که تحت سلطه مالکان بزرگ بود، منحل کرد. این دستور مالکیت حداکثری هر فرد را در کل کشور، تحت عنوان یک شش دانگ روستا به رسمیت می شناخت. مالکانی که بیش از شش دانگ روستا داشتند یا مجموع مالکیت پراکنده آنها بیش از شش دانگ روستا بود می توانستند مالکیت یکی از روستاها را انتخاب کنند یا زمینی به اندازه شش دانگ روستا داشته باشند و میزان اضافه تر

از شش دانگ به دولت تحویل داده می شد. مزارع مکانیزه شده و باغ های میوه و چای و گلخانه ها که متعلق به مالکان بود، استثنایی برای اقدامات اصلاحات ارضی بود. با گذشت ۸ ماه از بازبینی قانون اصلاحات ارضی، این طرح در ۱۳۴۰/۱۲/۱۲ در مراغه، اجرایی شد که پیشگام این اصلاحات بود. (عبادی، بیتا، ص ۶).

گفتار سوم: ساختارها و اصلاحات ارضی

ناکامی اصلاحات ارضی به لحاظ ساختاری ناشی از علل مختلفی بود که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد.

به لحاظ فرهنگی و تاریخی:

مسئله ای که مطرح می شود آن است که جامعه روستایی ایران در ایران در هنگام اجرای برنامه اصلاحات ارضی آمادگی کافی نداشت. به عبارت دیگر، آنچه در عمل پیاده می شد طرح و پروژه ای بود که عادات زندگی هزار ساله روستاییان را یک شبه به هم می ریخت و رسم، سبک و طریقه زندگی آنان را از بیخ و بن نابود می کرد. روستاییان در طول قرن ها در جامعه ای با مالکیت سنتی زیر یوغ اربابان و فئودال ها زندگی کرده بودند و به آن سبک زندگی عادت داشتند. خوب یا بد بودن چنین سبکی یک چیز است و از آن بیرون آمدن چیز دیگر؛ که در صورت تحقق دومی نیازمند تمرین، ممارست و کار فرهنگی و از همه مهمتر یافتن جایگزین بهتر برای پرکردن خلاء ناشی از نابود شدن فئودال ها و ارباب می بود. در این راستا در نظر نگرفتن بستر مناسب برای انتقال شیوه و سبک تولید سنتی به مدرن را هم می بایستی در همین چارچوب مد نظر قرار داد. دلیل اینکه عملکرد شیوه سنتی تولید، به رغم همه مشکلات، بهتر از نظام های مدرن بوده، این است که شرکت های زراعی و کشت و صنعت ها- شرکت هایی که در مرحله دوم برنامه اصلاحات ارضی برای کمک به اجرا و پیشرفت اصلاحات ارضی به وجود آمده بودند- هر دو (در سطوح مختلف) ساخته هایی بودند

ناجور و غیرتاریخی که بدون هیچ زمینه قبلی در چهارچوب اجتماعی معین قرار داده شده اند (کاتوزیان، ۱۳۸۶).

به لحاظ اجتماعی و سیاسی:

اصلاحات ارضی که می رفت این شکاف طبقاتی رو را ترمیم و اصلاح نماید و مانع از عواقب اجتماعی - سیاسی آن شود؛ نه تنها نتوانست این امر را پیش ببرد بلکه مضر به حال کشاورزی و نیروهای فعال در این بخش شد. از جمله تاثیرات منفی این اصلاحات بر رعایا و دیگر نیروهای اجتماعی عبارت بود از:

۱- برآمدن بورژوازی بزرگ کشاورزی و بقای کشاورزی تجاری: در واقع اصلاحات ارضی به دگرگونی های بنیادی ساختار اجتماعی و مناسبات طبقاتی انجامید و طبقه زمین دار قدیمی را از میان برداشت و در هربخش دولتی و خصوصی رشد کشاورزی تجاری را ترغیب کرد. تنها مزیت این دگرگونی عاید حکومت شد، چرا که از این طریق نه تنها رقبای سنتی خود یعنی مالکان را از بین برد بلکه توانست عایداتی از طریق کشاورزی تجاری نصب خود گرداند.

۲- برقراری سلطه حکومت بر مناطق روستایی و ظهور یک خرده بورژوازی حکومتی در کشاورزی. حکومت با تصاحب بسیاری از املاک زمین داران به یک حکومت مالک و زمین دار تبدیل شد.

۳- این اصلاحات علاوه بر دگرگونی در الگوی مالکیت، باعث تغییرات مهمی در جمعیت کشور شد؛ در حالیکه در اوایل دهه ۱۳۴۰ در حدود ۳۰ درصد از جمعیت ایران در شهرها زندگی می کردند، در سال ۱۳۵۴ این رقم به ۴۵ درصد رسید. شاه بسیاری از ثروتمندان زمین دار را با خودش دشمن کرد با این امید که در عوض، پشتیبانی کشاورزان را جلب کند.

۴- کنترل قیمت محصولات کشاورزی مانند گندم، افزایش جمعیت مهاجرت روستاییان بی زمین به شهرها، بی توجهی دولت به مازاد محصولات کشاورزی برای تامین غذا، صادرات

و تامین درآمد، به دلیل استفاده از عواید نفت از مهم ترین مسائلی بود که سطح محصولات کشاورزی را دچار افت کرد (اشرف، ۱۳۸۷).

به لحاظ اقتصادی

مسئله رشد قیمت نفت و در نتیجه درآمد و عایدات حاصل از آن را نیز می بایست مدنظر قرار داد که به طور جبرآمیزی اهداف و سیاست اصلاحات ارضی را به انحراف کشاند؛ از جمله الف) دولت را به تعقیب استراتژی توسعه صنعتی شهری ترغیب کرد ب) دولت را از مزاد کشاورزی (مواد غذایی، منابع مالی و صادرات) بی نیاز کرد، پ) اعتبارات و سرمایه دولتی و غیردولتی را به سوی کشت و صنعت ها و شرکت های زارعی سوق داد، ت) به رشد خودفزای تقاضا برای مواد غذایی و سایر محصولات انجامید. ترکیب و تاثیر متقابل این سیاست ها و رویدادها به نتایج زیر منجر شد: الف) رشد صفر درصد بازدهی کشاورزی که عمدتاً ناشی از بخش کشاورزی مدرن بود، به رغم موقعیت انحصاری اش در دریافت بودجه های کشاورزی و سایر امتیازات دولتی، ب) فقر و ناامنی دهقانان که حاصل آن میزان بالای مهاجرت به شهرهای بزرگ و کوچک بود، پ) بروز کسری فزاینده ای در مواد غذایی که با واردات برطرف نمی شد و به تورم مواد غذایی انجامید (کاتوزیان، ۱۳۸۷).

پروژه اصلاحات ارضی در مراغه

به دستور ارسنجان، وزیر کشاورزی، منوچهر خلخالی، مسئول این پروژه در مراغه شد و همه کارکنان وزارت کشاورزی، ملزم شدند از او تبعیت کنند. گروهی از مهندسان آبیاری به شهر مراغه وارد شدند تا برنامه توسعه شهری را تنظیم کنند و میزان آب مورد نیاز این شهر را تعیین کنند. گروهی از مؤسسه حاصلخیزی، آمدند تا موارد مربوط به زمین شناسی را به عهده گیرند، برخی از سازمان مهندسی کشاورزی برای ماشین های زراعی مورد نیاز نیز آمدند تا اگر بررسی ای لازم باشد انجام دهند. آنها بذرهای منطقه را تغییر دادند؛ همچنین به منظور تعیین نوع و میزان مصرف کود، یکی از کمپانی های کود نیز وارد شهر شدند. یکی از

گره های اصلاحات ارضی، که در پارلمان تصویب شده بود، تعیین قیمت عادلانه بود. به همین خاطر یکی از وظایف گروه های جمع آوری آمار، جمع آوری اطلاعات در خصوص وضعیت املاک، سودهای مالکیت و درآمد حاصل از هر ملک در حوزه عملیاتی می شد. اگر منطقه مورد ارزیابی قرار می گرفت تا مالیات ها را بین سال های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۸ تجدید کند، معیارهای عملیاتی برای تعیین درآمد، اعلام میزان مالیات بود که توسط مالکان انجام می گرفت و پس از آن، سندها و رفرنس هایی بود که توسط آمار محلی مشخص می شد. برای اصلاحات قیمت، املاک با هم مقایسه می شدند و ضریبی نیز تعیین می شد تا قیمت را محاسبه کند و یک معیار کاربردی باشد. یکی از موضوعات مورد توجه در این محاسبات، حق روت ۲ کشاورز بود که در روستاهای ارباب و رعیتی، مالک نمی بایست آن را از کشاورز دریغ کند. بنابراین بر طبق معیارهای سال پیش، ضرایب مالیاتی تعیین می شدند. مالک زمین این حق را داشت که اعتراض کند و دلایل خود را عرضه کند. پس از این ضرب العجل، اگر مالک زمین، نمی خواست املاک اضافی را به دولت بفروشد، عامل سازمان اصلاحات ارضی، با اطلاع شخص مورد پیگرد در این منطقه، اوراق انتقال املاک را از طرف مالک امضا می کرد؛ کاری که قانونی بود و سازمان، با توجه به اعتبار مالک، زمین را بین کشاورزان تقسیم می کرد. پس از نهایی شدن قیمت، سازمان کشاورزی، نخستین قیمت زمین را به صورت نقدی به مالک اعلام می کرد و پرداخت ۹ قسط دیگر را تضمین می کرد، به عبارت دیگر دولت واسطه بین آنها بود و دولت تضمین کننده پرداخت قیمت زمین به مالک بود. کشاورزان باید تا ۱۵ سال، این مبلغ را در ۱۵ قسط به بانک پرداخت می کردند؛ بنابراین پرداخت سالانه کشاورزان بر پایه ۱۰ درصد سود مالکیت پیشین بود. ارسنجانی در نخستین روز اقدامات اجرایی با مالکان (ناراضی) مواجه شد. او به آنها هشدار داد و با قاطعیت این تصمیم دولت

حق روت، حقی است که کشاورز از پرورش و تولید یک درخت به دست می آورد ۶-

در اجرای اصلاحات را گوشزد کرد. اگر شخصی در مراغه یا هر جای دیگر هست که می خواهد اذهان عمومی و مالکان را منحرف کند و بر خلاف دستورات دولت عمل کند، باید به شدت تحت پیگرد قانونی قرار بگیرد. (ارسنجانی، ۱۳۹۰)

پیامدهای عمده اصلاحات ارضی در مراغه

تصمیم گیری های کلان حکومت بر کل مناطق کشور تأثیر می گذاشت. از این رو یکی از پیامدهای اصلاحات ارضی علل خارجی بود که تحت تأثیر سیاست های ایالات متحده آمریکا و دولت کندی در اجرای اصلاحات اجتماعی در کشورهای جهان سوم بود که تحت عنوان انقلاب سفید در ایران به اجرا درآمد که پیامد اصلی آن کاهش اقتدار بزرگ مالکان و تضعیف قدرت سیاسی آنها بود (طالب، ۱۳۸۷). این موضوع به کاهش قدرت مالکان بزرگ مراغه نیز انجامید.

مهاجرت گسترده ی روستاییان به شهرها (اجتماعی)

به علت ماهیت خاص اصلاحات ارضی در مراغه، ادامه ی زندگی برای روستاییان در روستاها مشکل شد و بسیاری از آنان به مهاجرت به شهرها (همجوار و بزرگ) روی آوردند. به علاوه تقریباً نیمی از جمعیت روستانشین - کارگران کشاورز - اصلاً زمین به دست نیاوردند. بنابراین، با فرا رسیدن سال ۱۳۵۰ ه.ش، وقتی اصلاحات ارضی رسماً پایان یافته اعلام شد، اکثریت قریب به اتفاق روستانشینان نسبت به قبل از اجرای برنامه شرایط اقتصادی بهتری نداشتند. در واقع شواهد حاکی از آن است که موقعیت هزاران خانواده ی روستانشین در طول دهه ی اجرای اصلاحات ارضی عملاً بدتر شد. امکان دسترسی به کار، بزرگترین جاذبه ی شهرها برای روستاییان محسوب میشد. در طول دهه ی ۱۳۵۰، یعنی وقتی اقتصاد روستایی در حال رکود بود، نواحی شهری مناطق مراغه یک رونق اقتصادی ناگهانی را تجربه می کرد که ناشی از افزایش پیوسته و ثابت درآمدهای نفتی کشور بود. دولت قسمت اعظم این درآمد را صرف سرمایه گذاری پروژه های بیشمار ساختمان سازی در سراسر کشور کرد. روستاییان

همچنین در بعضی خدمات شهری مراغه نیز امکان اشتغال یافتند. برخی از متداولترین شغل‌های آنها شامل مستخدمی در منازل، سرایداری، آبدارچی و فروشندگی دوره گرد میشد. کار در بخش خدمات از جمله شغل‌های بسیار کم درآمد بود و در نتیجه نامطلوبترین شغل‌ها محسوب می شد. مهاجران روستایی این نوع کارها را موقتی میدانستند و برای دستیابی به کاری پردرآمدتر مدام تغییر شغل میدادند. رؤیای آنها این بود که در بخش ساختمان سازی یا در یک کارخانه کار کنند. بدین ترتیب تأثیرات متقابل تحولات شهر و روستا در این دوره به شکل حلقه ای از روابط علت و معلولی درآمد و باعث تشدید شهرنشینی در این دوره شد (حسامیان، اعتماد و حائری، ۱۳۶۳).

یکی دیگر از پیامدهای بارز اجرای اصلاحات ارضی تقطیع اراضی زراعی توسط زارعین بود. این امر دشواری‌هایی از لحاظ آبیاری و استفاده از وسایل کشاورزی ایجاد کرد. گسترش نفوذ دولت در روستاها و آزادی عمل روستاییان در امور مختلف زندگی و رهایی از حاکمیت ارباب از دیگر پیامدهای بارز این طرح نه تنها در مراغه، بلکه در مناطقی که اصلاحات ارضی در آن اجرا شد، بود.

بررسی تولید کشاورزی (پیامد اقتصادی)

عوامل تضعیف کننده ی بخش کشاورزی و تولید کشاورزی که در نتیجه ی اصلاحات ارضی ۱۳۴۰ه.ش و نیز سیاستهای کشاورزی دولت در این دوران در مراغه صورت گرفت، به شرح ذیل است:

- ۱- مهاجرت روستاییان به شهر موجب کاهش تولید کشاورزی شد؛
- ۲- روی آوری واحدهای کشاورزی بزرگ به کشت محصولات تجاری و کاهش تولید محصولات معیشتی؛
- ۳- سیاستهای کشاورزی دولت در جهت تضعیف تولید کشاورزی داخلی

- ۴- تأمین نکردن تسهیلات و اعتبارات کافی برای کشاورزان تازه مالک شده و بالعکس تخصیص اعتبارات و تسهیلات کلان برای بزرگ مالکان و سرمایه داران خارجی
- ۵- نخریدن همه ی گندم کشاورزان و در عوض خریدن گندم از خارج با قیمت بالاتر
- ۶- اعمال سیاست تعیین حداقل قیمت گندم به طرز آسیب رسان به کشاورزان مراغه
- ۷- ملی کردن چراگاهها و یکجانشین کردن عشایر مراغه

یافته های پژوهش:

در این پژوهش حساسیت و موقعیت استراتژیک مراغه در آذربایجان شرقی که از لحاظ تاریخی باعث وقوع حوادث قابل توجهی در این منطقه شده است؛ اصلاحات ارضی و تاریخ آن، قوانین و رویه های اداری، مقامات اداری این طرح ها و نقش دکتر ارسنجانی (وزیر سابق کشاورزی)، نتایج اصلاحات ارضی در مراغه و پیامدهای آن در سالهای آینده و دلایل انتخاب این شهر به عنوان شهر پیشگام انقلاب مورد بررسی قرار می گیرد. براساس یافته های تحقیق، اجرای اصلاحات ارضی در نواحی مختلف منطقه دارای تعارضات زیادی بود. نحوه ی مواجهه مالکان با اصلاحات ارضی در بخشهای شمالی و غربی بسیار خصمانه تر از نواحی جنوبی و شرقی بود، در حوزه ی اقتصادی اجرای برنامه منجر به تغییر ماهیت و ساختار مالکیت زمین و گسترش نظام بهره برداری دهقانی و پیدایش سازمانهای تولید کشاورزی جدیدی شد. شیوه های تولیدی دچار تغییر اندکی گشت و روشهای مکانیزه کشاورزی و روابط تولید سرمایه داری در این بخش به تدریج رشد و گسترش یافت. در عرصه ی اجتماعی اصلاحات ارضی موجب رشد و توسعه ی طبقه ی دهقانی و کارگری شد. با توجه به اینکه جمعیت زیادی از روستاییان به زمین دست نیافتند و ظرفیت اشتغال در بخش کشاورزی کاهش پیدا کرد. در عرصه ی سیاسی اجرای اصلاحات ارضی به تضعیف قدرت مالکان و افزایش نفوذ و تمرکز قدرت دولت در روستاها منجر شد و این مسئله موجب محدود شدن حوزه ی فعالیتهای احزاب چپ منطقه و تضعیف آنها شد. قوانین

اصلاحات ارضی تمامی روستاییان را شامل نمی شد و برخی از آنها به زمین دست پیدا نکردند، بنابراین دو گرایش متعارض در میان روستاییان نسبت به دولت به وجود آمد.

نتیجه گیری

بایستی پذیرفت که یکی از مقاصد اساسی محمدرضا پهلوی در اجرای اصلاحات ارضی افزایش نفوذ و پایگاه اجتماعی و جلوگیری از شورش های دهقانی در مناطق روستایی بود تا مالکان را از سردمداری مناطق روستایی کنار بزند و تا حدودی نیز در این امر موفق عمل کرد. کنار رفتن مالکان بزرگ در منطقه مراغه من جمله خانواده های موسوی، آصف، حمیدیه، فتوحی، اسفندیاری، صدرکبیر، صولتی، احمدی و غیره از کرسی قدرت و نفوذ نشان می دهد که شاه به این هدف خود رسیده است. درست است که با اجرای اصلاحات ارضی برای اولین بار در کشور، روستاییان مراغه صاحب زمین شدند و قدرت شکست ناپذیر و انحصاری اربابان، برچیده شد. اما در عمل محصولات کشاورزی و زندگی روستاییان محروم در منطقه مراغه بهبود نیافت. بسیاری از کشاورزان به علت محدودیت زمین هایی که به آنان تعلق داشت، از کشاورزی دست برداشتند. کشاورزانی نیز که در روستاها ماندند به سختی می توانستند مخارج زندگی خانواده های پرجمعیت خویش را از زمین های کوچک تامین کنند. بنابراین با توجه به دستمزد بالا در شهر در مقایسه با روستا، روند مهاجرت از مناطق روستایی افزایش یافت و در نهایت آمارهای موجود در سازمان های مربوطه نشان دادند که جمعیت مراغه به شدت سیر صعودی را در پیش گرفت که این مهاجرت فزاینده، منجر به کاهش تولید محصولات کشاورزی و خالی شدن روستاها از نیروی انسانی جوان و نیرومند گردید. همچنین استفاده از تراکتور و دیگر ماشین آلات جدید فقط در تعداد اندکی از روستاهای بزرگ یا نزدیک به شهر مانند ورجوی، گل تپه، داش آتان، چلان سفلی، کرم جوان، نرج آباد، خوشه مهر رواج داشت و روستاهای دورافتاده نمی توانستند از این ماشین

آلات استفاده کنند و سرانجام آنچه می توان از اصلاحات ارضی در مراغه و همچنین در دیگر مناطق کشور گفت این است که این طرح به شدت از اهداف سیاسی به جای ارتقای واقعی موقعیت کشاورزان پیروی می کرد و بدون در نظر گرفتن ابعاد طرح اجرا گردید. اصلاحات ارضی در شهر پیشگام اصلاحات ارضی نتوانست تاثیرات مثبتی از خود برجای گذارد و سبب سیل خروشان مهاجرت روستاییان به شهر شد. بدین ترتیب محله های بسیاری در حومه شهر مانند میکاییل آباد، عشرت آباد، یوسف آباد و هاشم آباد به وجود آمدند که شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ناخوشایندی داشتند و مشاغل کاذب را در مراغه ایجاد کردند. به عبارت دیگر، وجود نیروی کار، نبود فرصت های شغلی در مناطق روستایی، نتیجه ای جز نابودی کشاورزی در پی نداشت. درست است که مالکان زمین در مراغه قدرتمند بودند و سیستم ارباب رعیتی از میان برداشته شد اما در نهایت سازمان های دولتی جایگزین اربابان قدرتمند گردید. لذا در سطح کلان با توجه به اجرای این اصلاحات در مراغه، در حوزه ی اقتصادی اجرای برنامه منجر به تغییر ماهیت و ساختار مالکیت زمین و گسترش نظام بهره برداری دهقانی و پیدایش سازمانهای تولید کشاورزی جدیدی شد. شیوه های تولیدی دچار تغییر اندکی گشت و روشهای مکانیزه کشاورزی و روابط تولید سرمایه داری در این بخش به تدریج رشد و گسترش یافت. در عرصه ی اجتماعی اصلاحات ارضی موجب رشد و توسعه ی طبقه ی دهقانی و کارگری شد. با توجه به اینکه جمعیت زیادی از روستاییان به زمین دست نیافتند، ظرفیت اشتغال در بخش کشاورزی کاهش پیدا کرد. در عرصه ی سیاسی اجرای اصلاحات ارضی به تضعیف قدرت مالکان و افزایش نفوذ و تمرکز قدرت دولت در روستاها منجر شد و این مسئله موجب محدود شدن حوزه ی فعالیت های احزاب چپ منطقه و تضعیف آنها شد. قانون اصلاحات ارضی تمامی روستاییان را شامل نمی شد و برخی از آنها به زمین دست پیدا نکردند، بنابراین دو گرایش متعارض در میان روستاییان نسبت به دولت به وجود آمد. کلام آخر اینکه با توجه به منابع موجود آن دوره به

خصوص مشاهدات و یادداشت های افرادی نظیر داریوش همایون در سلسله مقالاتی که در روزنامه اطلاعات انتشار داد و مصاحبه نگارنده با افراد روستایی که آن زمان خود ناظر و شاهد اجرای اصلاحات ارضی بودند نظر مثبتی به اجرای اصلاحات ارضی در این منطقه داشته اند. اجرای اصلاحات ارضی اگر در ابتدای اجرا به خصوص در زمان صدارت ارسنجانی با برنامه پیش رفت و ضمن واگذاری زمین به کشاورزان، تشکیل شرکت های تعاونی، توجه به موضوع تأمین آب و احداث کانال های آبیاری در مراغه صورت گرفت ولی برکناری ارسنجانی از وزارت و تغییر در روند اجرای اصلاحات ارضی در مراحل بعدی، سبب شد که نگرش مثبتی به اصلاحات ارضی در بین پژوهشگران وجود نداشته باشد و به اصلاحات ارضی فقط از بعد سیاسی نگریسته و دیگر ابعاد آن مغفول ماند.

منابع و مآخذ

۱. اسفندیاری، مهسا (۱۳۹۴). بررسی تاثیرات سیاسی- اجتماعی اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ ه.ش. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی. تهران. ایران.
۲. ارسنجانی، نورالدین، (۱۳۷۹)، دکتر ارسنجانی در آینه زمان، تهران: قطره
۳. ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۵)، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی ایران، تهران، اطلاعات، چاپ یازدهم.
۴. ازغندی، علرضا، (۱۳۹۷)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، تهران، سمت، چاپ یازدهم.
۵. پهلوی، محمدرضا، (۱۳۴۵)، انقلاب سفید، تهران، کتابخانه سلطنتی.
۶. پورمؤذن، منصور، (۱۳۹۳)، ربع قرن تلاطم در مراغه، تهران: سفیراردهال.
۷. حسامیان، فرخ، اعتماد، گیتی، حائری، محمدرضا، (۱۳۶۳)، شهرنشینی در ایران، تهران، آگاه.

۸. رسولی، مرتضی. (۱۳۸۶). اصلاحات ارضی، زمینه ها، ضرورت ها، نحوه اجرا و پیامدها، مجله تاریخ معاصر ایران، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶.
۹. شهبازی، اسماعیل، نوروزی، عباس (۱۳۹۵). بازنگری جریان اصلاحات ارضی در دهه چهل خورشیدی، انتشارت دانشگاه شهید بهشتی. تهران. ایران.
۱۰. صمصامی مزرعه آخوند، زهره. (۱۳۹۲). بررسی پیامدهای اجتماعی-سیاسی اصلاحات ارضی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران.
۱۱. طالب، مهدی، عنبری، موسی، (۱۳۸۷)، جامعه شناسی روستایی (ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران)، دانشگاه تهران، چاپ دوم
۱۲. علیپوریان، طهماسب، نوری اصل، احد، شهریاری، حیدر. (۱۳۹۵). تحلیل اصلاحات ارضی ایران (دهه ۱۳۴۰) بر مبنای روش شناسی ساختار-کارگزار، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۳۱، پیاپی ۱۲۱، پاییز ۱۳۹۵.
۱۳. فوران، جان. (۱۳۸۵)، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، چاپ ششم
۱۴. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۷). اقتصاد سیاسی ایران. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز. چاپ سیزدهم.
۱۵. لمتون، آن.ک.س، (۱۳۹۳)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهرامیری، تهران، علمی فرهنگی، چاپ پنجم.
۱۶. لمتون، آن.ک.س، (۱۳۹۴)، اصلاحات ارضی در ایران (۱۳۴۵-۱۳۴۰)، ترجمه مهدی اسحاقیان، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم
۱۷. مروارید، یونس، (۱۳۷۲)، مراغه (افرازه رود)، تهران، انتشارات علمی، چاپ دوم

۱۸. ولی، عباس، (۱۳۸۰)، ایران پیش از سرمایه داری، ترجمه حسن شمس آوری، تهران: نشر مرکز

۱۹. هالیدی، فرد، (۱۳۵۸)، ایران: دیکتاتوری و توسعه، ترجمه علی طلوع و محسن یلفائی، تهران: انتشارات علم

۲۰. هوگلاند، اریک-ج، (۱۳۹۲)، زمین و انقلاب در ایران، فیروزه مهاجر، تهران: پردیس دانش

۲۱. Ahmadipour, Hosein. (2012). Azarbaijan during the construction and revolution, nine principles of king and nation's revolution in the East Azarbaijan- Tabriz, publication of central council of empire celebration in the province of East Azarbaijan.

۲۲. Amid.mohammad Javad.(2011).Agriculture poverty And Reform in Iran.Taylor & Francis Group, London And New york,Volume(25),pp.102-140.

۲۳. Arsanjani Nour aldin, (2016) ,,The Service Integration Maturity Model: Achieving Flexibility in the Transfor-mation to SOA,““ Proceedings of the IEEE International Conference on Services Computing, Chicago, pp. 515.

۲۴. Ebadi, Mohammad Ali(1991), Business Law, Treasure of Knowledge Publications, Tehran.

۲۵. Gleen,E.(2008),Iran, Country Study, Library of Congress Cataloging-in-Publication Data. On the cover: A bas-relief of a bearded sphinx, ca. 500 B.C., from Persepolis.

۲۶. Vaziri farahani, Houshang., (1970).the ensign of revolution. Publication of the council of empire celebration in the East Azarbaijan.

۲۷. Rostow,W.W. (1960). The Stages of Economic Growth: A Non – Communist Manifesto. Cambridge University Press.